



گفت وگو با مهرداد خوشبخت، کارگردان فیلم «آبادان یازده ۶۰»

قصه‌های مردم غیور آبادان

پیش از فیلم‌های «یدو» و «روزی روزگاری آبادان» که امسال در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمدند، این مهرداد خوشبخت بود که سال گذشته و در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر با محوریت آبادان، فیلمی به‌نام «آبادان یازده ۶۰» ساخت، اثری که جزو فیلم‌های برگزیده مردمی بود و در مراسم اختتامیه هم تندیس مقاومت را به دست آورد. یکی از ویژگی‌های فرامنتی فیلم که البته به متن و خود فیلم هم راه پیدا کرد و روایت نویسنده و کارگردان بر دل نشست، آبادانی بودن خوشبخت بود. البته همچنان این ویژگی قابل مشاهده است و آبادان یازده ۶۰ با وجود اکران آنلاین در یک مقطع کوتاه، این روزها در برخی سینماها هم روی پرده است.

در این دو دوره اخیر جشنواره فیلم فجر، دست‌کم سه فیلم مرتبط با آبادان داشتیم؛ آبادان یازده ۶۰ به کارگردانی شما که برنده سیمرغ مقاومت شد، روزی روزگاری آبادان و یدو که امسال چند جایزه از جمله جوایز بهترین فیلم و بهترین کارگردان را به دست آورد. نظرتان درباره این رویکرد به آبادان در فیلم‌ها چیست؟

زمانی که ما داشتیم آبادان یازده ۶۰ را کار می‌کردیم، دوست عزیزم آقای مهدی جعفری فیلمبردار ما بود و از آن موقع می‌خواست همین قصه یدو را اقتباس کند. حتی ما در همان قصه رادیو آبادان هم یک بز داشتیم که واقعا در داستان اصلی هم حضور داشت و کارمندان رادیو از یک بز نگهداری و از شیرش استفاده می‌کردند. آقای جعفری می‌گفت من یک قصه راجع به این دارم و می‌خواهم آن را بسازم، اگر امکان دارد موضوع بزها را اینجا مطرح نکنیم. من هم به احترام ایشان و رفاقتی که داشتیم، ماجرای بز را از فیلمنامه حذف کردم و این داستان بعدا در فیلم یدو مطرح شد. فکر می‌کنم مثبت دیده‌شدن و تأثیر آبادان یازده ۶۰، انگیزه‌ای برای پیگیری ساخت فیلم‌های دیگر درباره آبادان ایجاد کرد و دست‌کم بی‌تأثیر نبود. هرچند قطعا از پیشتر درباره ساخت این فیلم‌ها فکر شده و برای این دو فیلمساز عزیز که هر دو هم جنوبی هستند، مهم بود فیلم‌هایی درباره آبادان بسازند. اما وقتی یک فیلم جنگی ساخته می‌شود که جزو پنج فیلم مردمی جشنواره سال گذشته فیلم فجر هم می‌شود، انگیزه مضاعفی برای فیلمسازان و مسؤولان ایجاد می‌کند. بعد از آبادان یازده ۶۰ خیلی‌ها به من گفتند چرا راجع به آبادان، فیلم دیگری نمی‌سازی؟ بعضی از مسؤولان گفتند آیا ایده دیگری درباره آبادان داری؟ یعنی با موفقیت فیلم در جشنواره و اکران، خیلی‌ها گفتند پس می‌شود باز هم به ابعاد تازه و دیگری از جنگ در آبادان پرداخت. قطعا این‌طوری نیست که آبادان یازده ۶۰ شروع‌کننده یک اتفاق درباره ساخت سری فیلم‌هایی با موضوع آبادان باشد، چون معمولا هر فیلم که در ایران ساخته می‌شود، کارگردانش سال‌ها و ماه‌ها به آن فکر کرده و پیگیریش بوده‌است، اما به نظر ساخت آبادان یازده ۶۰ این روند را تسریع و جو خوبی در این زمینه ایجاد کرد.

آبادان چقدر ظرفیت دراماتیک و لوکیشن و قصه دارد که سینمای ایران هنوز سراغ آن نرفته‌است؟

با تحقیقاتی که من دارم و دیگر دوستان هم قطعا دارند، آبادان همین الان به اندازه ۲۰ فیلم سینمایی، موضوع جذاب و تأثیرگذار و تکان‌دهنده برای روایت دارد، چون آبادان و خرمشهر خیلی موقعیت ویژه‌ای در جنگ داشتند. محاصره آبادان و سقوط خرمشهر پر از قصه است و موقعیت‌های پیچیده جنگ شهری دارد و ما مقاومت‌های واقعی مردمی را در این دو شهر می‌دیدیم. ما فیلمسازان باید درباره این مقاومت‌ها و قصه‌ها فیلم بسازیم. حتی درباره آبادان الان و این مردم هم می‌شود فیلم ساخت؛ این‌که مسؤولان امروز چطور به مردمی که سال‌ها قبل آن طور قهرمانانه مقاومت کردند و غیرت و جوانمردی به خرج دادند، نگاه

می‌کنند.

به جز آبادان یازده ۶۰، باز هم قصه و ایده و خاطره‌ای درباره آبادان دارید که قصد کارگردانی‌اش را داشته‌باشید؟

بله، چند ایده دارم که البته مربوط به من نیست بلکه اتفاقات واقعی متعلق به آبادان بود که دراماتیک شده‌است. یکی از

ورود تدریجی سرود به جایگاهش در جشنواره موسیقی فجر

گروه سرود شهید محسن فرجی و نور مشکات در پهنه رودکی اجرا کردند. به گزارش فارس، سرودهای انقلابی جشنواره موسیقی فجر با حضور سه گروه فعال تهران در پهنه رودکی در حال برگزاری است. گروه سرود «شهید محسن فرجی» به سرپرستی حسین نصیری در پهنه رودکی به اجرای سرودهای انقلابی پرداخت. در این برنامه هفت قطعه از جمله «افتخار من» درباره ایران و «مرد نبرد» به یاد شهید سلیمانی اجرا شد.

سینماییت آباد

آبادان!

به بهانه ساخت ۳ فیلم با محوریت آبادان در این دو دوره اخیر جشنواره فیلم فجر سراغ فیلم‌ها و سینماگران مرتبط با این شهر مهم و تاریخی ایران رفتیم

آبادان که پیشتر با نام‌هایی چون آبودان، اودان، اوپاتان، بهمنشیر، عتّادان (معرب آبادان) شناخته می‌شد، یکی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین شهرهای ایران است و سرگذشت پرفراز و نشیب آن در دوره‌های مختلف تاریخی، ظرفیت قصه‌ها و روایت‌های سینمایی بسیاری دارد؛ اقدامات اردشیر بابکان، نخستین پادشاه ساسانی برای شکل‌گیری و قوام این شهر، نابودی بر اثر حمله اعراب، تاسیس یک‌پادگان برای محافظت از حمله یگانگان به فرماندهی عباد ابن حصین حبشی، ادعای مالکیت امپراتوری عثمانی روی آبادان و خرمشهر و اشغال نظامی این دو شهر در دوره ناصرالدین شاه و همه کشمکش‌های بعدی در این زمینه و تلاش‌های امیرکبیر برای بازپس‌گیری آنها، اعتبار آبادان در کشتیرانی و سیاحت، حضور خارجی‌ها از جمله انگلیسی‌ها و هندی‌ها برای کار در پالایشگاه نفت آبادان، ماجرای عبدالکریم قاسم به عنوان نخستین نخست‌وزیر جمهوری عراق که بعد از کودتا، مدعی شد آبادان و خرمشهر متعلق به عراق هستند؛ ادعای خطایی که بعدها صدام حسین هم با تمرکز روی آن، به ایران حمله و شهرهای آبادان و خرمشهر را اشغال کرد، فاجعه سینمارکس آبادان، همه سال‌های جنگ ایران و عراق و ... هر کدام از این اتفاقات و رخدادها و جاذبه‌های گردشگری و اماکن تفریحی، تاریخی و زیارتی آن و البته پرتلفردا بودن تیم فوتبال صنعت نفت آبادان، پُر از قصه برای روایت است اما در عمل سینمای ایران چندان از این ظرفیت فراوان دراماتیک بهره‌ای نبرده. ولی همین تلاش‌های این دو سال برای روایت‌های سینمایی درباره آبادان را باید به فال نیک گرفت و ساخت فیلم‌هایی چون آبادان یازده ۶۰، روزی روزگاری آبادان و یدو، می‌تواند نویدبخش توجه سینمای ایران به شهر مهمی چون آبادان و روایت انبوه قصه‌های ناگفته آن در دوره‌های تاریخی مختلف باشد.



علی رستگار

سینما

یدو



یدو به کارگردانی مهدی جعفری که در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر برنده ۶ جایزه (سیمرغ بهترین فیلم، بهترین کارگردان، بهترین صدابردار، بهترین صداگذار، بهترین فیلمبردار و دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول زن) شد، داستان ماه‌های ابتدایی جنگ در آبادان را روایت می‌کند. قصه که براساس داستان کوتاه زخم شیر نوشته صمد طاهری اقتباس شده، با تمرکز روی شخصیت نوجوانی به نام یدو (یداب...) با بازی میلاد صوبلاوی، روایت می‌شود که بر سر رفتن از آبادان جنگ‌زده و تحت محاصره با مادرش (با بازی ستاره پسایی) کشمکش دارد. مادر اما با وجود خطرانی که وجود دارد و رفتن بسیاری از مردم و هم محله‌ای‌ها، حاضر به ترک خانه نیست و می‌خواهد همراه دو پسر و یک دخترش در آبادان بماند. جنوبی بودن جعفری و همدوره بودن او با قهرمان نوجوان فیلم، در شکل‌گیری فضایی باورپذیر و ترسیم حس و حال آبادان ابتدای جنگ نقش موثری دارد. هرچند تغییرچهره شهر و تبدیل آن به آبادان دوران جنگ نیاز به تلاش مضاعف سازندگان فیلم و به ویژه گروه صحنه و لباس و جلوه‌های ویژه بصری داشت که به خوبی انجام شد.

روزی روزگاری آبادان

حمیدرضا آذرنگ که خودش اهل جنوب است، سال‌ها قبل نمایشنامه‌ای نوشت و آن را در تئاتر روی صحنه برد به نام روزی روزگاری آبادان، با این‌که بیشتر قصه در یک لوکیشن می‌گذرد و تنها از این منظر خاستگاه تئاتری آن بیشتر به چشم می‌آید، اما روایت سینمایی از آن دری تازه در سینمای ایران باز کرد و باوجود برخی ضعف‌ها و دوپارگی داستان و فضا در نیمه اول و نیمه دوم، می‌توان به ساخت آثار بازیگوشانه و تجربه‌گرای این چینی فکر کرد. آذرنگ قصه دعوها و کشمکش‌های یک خانواده آبادانی پیش از تحویل سال ۸۲ را به اصابت اشتباه یک موشک آمریکایی پیوند می‌زند و قصه را وارد یک فضای فراواقعی و سوررئال می‌کند. ادامه فیلم تلاش برای مکالمه و حرف زدن یک خانواده آبادانی با یک موشک آمریکایی است.

نه فقط مهرداد خوشبخت- کارگردان آبادانی سینما- که بسیاری از بازیگران و کارگردانان اعتقاد دارند که آبادان از جمله شهرهایی است که همین حالا می‌شود ده‌ها فیلم با موضوعات مختلف درباره آن ساخت. این ادعایی است که درباره همه شهرها نمی‌شود آن را بسط داد. اگرچه درباره هر شهر و استانی تاریخچه و موضوعاتی وجود دارد که باعث می‌شود آن شهر قابلیت ساخته‌شدن یکی دو فیلم را داشته باشد. اما حکایت آبادان متفاوت است.

آبادان آنقدر دستخوش حوادث و اتفاقات کوچک و بزرگ بوده که به تنهایی می‌تواند به اندازه یک کشور مورد توجه قرار گیرد و از زوایای مختلف به آن پرداخت.

از سال‌های پیش از انقلاب و فاجعه سینما رکس تا سال‌های دفاع مقدس و عملیات‌هایی که در این جغرافیا بوده و حماسه‌ها و شهادت‌ها و مواردی که این شهر به خود دیده از یکسو و از

سوی دیگر رفتار و خلقیات مردم خونگرم این شهر که آنها را به نه

نقش عروسک‌ها در روحیه دادن به بچه‌ها

الکا هدایت، بازیگر و کارگردان تئاتر کودک و نوجوان معتقد است نه تنها در شرایط فعلی بلکه به‌طور کلی دنیای عروسک‌ها و نمایش می‌تواند به دلیل داشتن زبان مشترک، خلایقیت را در بچه‌ها شکوفا کند. هدایت در گفت‌وگو با مهر افزود: عروسک‌ها در حوزه آموزش کودک و نوجوان تأثیرگذارند.



سینماییت آباد

آبادان!

به بهانه ساخت ۳ فیلم با محوریت آبادان در این دو دوره اخیر جشنواره فیلم فجر سراغ فیلم‌ها و سینماگران مرتبط با این شهر مهم و تاریخی ایران رفتیم

آبادان که پیشتر با نام‌هایی چون آبودان، اودان، اوپاتان، بهمنشیر، عتّادان (معرب آبادان) شناخته می‌شد، یکی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین شهرهای ایران است و سرگذشت پرفراز و نشیب آن در دوره‌های مختلف تاریخی، ظرفیت قصه‌ها و روایت‌های سینمایی بسیاری دارد؛ اقدامات اردشیر بابکان، نخستین پادشاه ساسانی برای شکل‌گیری و قوام این شهر، نابودی بر اثر حمله اعراب، تاسیس یک‌پادگان برای محافظت از حمله یگانگان به فرماندهی عباد ابن حصین حبشی، ادعای مالکیت امپراتوری عثمانی روی آبادان و خرمشهر و اشغال نظامی این دو شهر در دوره ناصرالدین شاه و همه کشمکش‌های بعدی در این زمینه و تلاش‌های امیرکبیر برای بازپس‌گیری آنها، اعتبار آبادان در کشتیرانی و سیاحت، حضور خارجی‌ها از جمله انگلیسی‌ها و هندی‌ها برای کار در پالایشگاه نفت آبادان، ماجرای عبدالکریم قاسم به عنوان نخستین نخست‌وزیر جمهوری عراق که بعد از کودتا، مدعی شد آبادان و خرمشهر متعلق به عراق هستند؛ ادعای خطایی که بعدها صدام حسین هم با تمرکز روی آن، به ایران حمله و شهرهای آبادان و خرمشهر را اشغال کرد، فاجعه سینمارکس آبادان، همه سال‌های جنگ ایران و عراق و ... هر کدام از این اتفاقات و رخدادها و جاذبه‌های گردشگری و اماکن تفریحی، تاریخی و زیارتی آن و البته پرتلفردا بودن تیم فوتبال صنعت نفت آبادان، پُر از قصه برای روایت است اما در عمل سینمای ایران چندان از این ظرفیت فراوان دراماتیک بهره‌ای نبرده. ولی همین تلاش‌های این دو سال برای روایت‌های سینمایی درباره آبادان را باید به فال نیک گرفت و ساخت فیلم‌هایی چون آبادان یازده ۶۰، روزی روزگاری آبادان و یدو، می‌تواند نویدبخش توجه سینمای ایران به شهر مهمی چون آبادان و روایت انبوه قصه‌های ناگفته آن در دوره‌های تاریخی مختلف باشد.

باوجود روایت قصه در اوایل دهه ۸۰، کمتر ذهنی است که به سمت اثرات مخرب جنگ و سرنوشت تلخ آبادان و شهرهای جنوبی در دوران جنگ ایران و عراق نرود. باوجود لایه ظاهری کمیک، آنچه مزه تلخی را همچنان در دهان تماشاگر حفظ می‌کند، همین قبه جنگ‌زده آبادان و خانواده‌های مظلوم و بی‌پای این شهر و دیگر مناطق جنوبی است. چنین قصه‌ای حتما باید در آبادان روایت می‌شد که انس و الفتی تلخ و دیرین با موشک و جنگ دارد. یکی از نکته‌های قابل اشاره طراحی صحنه فیلم است که سهیل دانش اشرافی برای انجام آن سیمرغ جشنواره فیلم فجر را هم به دست آورد. به گفته دانش اشرافی به دلیل کرونا، حتی یک پلان فیلم هم در آبادان فیلمبرداری نشد و کل صحنه‌های داخلی و خارجی فیلم در تهران ساخته و فیلمبرداری شد.



آبادان یازده ۶۰

فیلم‌هایی «براساس یک داستان واقعی» چند سالی است که در سینمای ایران جدی گرفته می‌شود و سازندگان آثار سینمایی به ارزش‌ها و ظرفیت‌های بالقوه ماجراهای واقعی بیشتر پی برده‌اند. آبادان یازده ۶۰ با استفاده از همین نگاه و البته با بهره‌گیری مناسب از کتاب «فرکانس ۱۱۶۰» تألیف فضل... صابری، سراغ زاویه تازه‌ای از جنگ و مقاومت مردم آبادان می‌رود.

از طرف دیگر معمولاً قطعات خبری و رسانه‌ها همچون روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون، نماها یا سکانس‌هایی را در فیلم‌ها و سریال‌ها به خود اختصاص می‌دهند و کمتر پیش می‌آید محور روایت باشند، اما مهرداد خوشبخت در آبادان یازده ۶۰ روایتی از اهمیت رادیو نفت آبادان در اوایل جنگ پیش روی مخاطب قرار می‌دهد و این‌که اگر خدمات و جانفشانی‌های کارکنان رادیو نفت نبود، آن انگیزه و همدلی مردم آبادان برای دفاع و مقاومت کم‌ترنگ می‌شد و چه بسا از دست می‌رفت.

آبادانی بودن خوشبخت و برخی دیگر از عوامل آبادان یازده ۶۰ هم نقش مهمی در موفقیت فیلم داشت.

چرا آبادان؟

سینمای ایران نشان داده به آبادان به عنوان جغرافیایی حیثیتی به ویژه در سال‌های دفاع مقدس علاقمند است

عنوان یک تیپ که به عنوان شخصیت به سینمای ایران معرفی کرده است.

آبادانی‌ها عاشق سینما هستند و آبادان در گذشته و روزگاری ۱۵ سینما داشت و مردمی که یکی از اولین تفریحات‌شان فیلم‌دیدن و سینما رفتن بود. آبادانی‌هایی که با وجود تمام سختی‌هایی که بر آنها رفته هنوز هم سینما را از سید زندگی‌شان حذف نکرده‌اند و هر وقت دلشان می‌گیرد بلیت می‌گیرند و یاعلی.... سینما.

آبادانی‌هایی که اگر فیلمی به آنها پرداخته باشد با دقت آن را می‌بینند و با سعه صدر تلاش می‌کنند ایرادهایش را رفع و رجوع کنند. آبادانی‌هایی که با وجود ساخته شدن این همه فیلم، چندین بار بازی‌کردن با لهجه و خلق و خوی آنها و کلی مورد دیگر هیچ وقت نه علیه فیلم‌ها اعتراض کرده‌اند، نه تهدیدی در کارشان بوده و نه هیچ گونه بی‌حرمتی، واکنش که البته دور از ذهن هم نیست. آبادانی‌هایی که حتی در سخت‌ترین روزها و

حفظه‌های دفاع مقدس به جای اعتراض همیشه تلاش کرده‌اند تا بذر حماسه و ایثار در خاک گرم شهرشان بکارند و با وجود همه امکاناتی که باید باشد و نیست، تلاش کنند تا چهره‌ای پر از لبخند و شوخی و صمیمیت به مردم کشورشان پیشکش کنند.

به قول همان مهرداد خوشبخت که پیشتر به او اشاره کردم و گپی هم با او زده‌ایم: آبادان همین الان به اندازه ۲۰ فیلم سینمایی، موضوع جذاب و تأثیرگذار و تکان‌دهنده برای روایت دارد، چون آبادان و خرمشهر خیلی موقعیت ویژه‌ای در جنگ داشتند. محاصره آبادان و سقوط خرمشهر پر از قصه است و موقعیت‌های پیچیده جنگ شهری دارد و ما مقاومت‌های واقعی مردمی را در این دو شهر می‌دیدیم. ما فیلمسازان باید درباره این مقاومت‌ها و قصه‌ها فیلم بسازیم. حتی درباره آبادان الان و این مردم هم می‌شود فیلم ساخت؛ این‌که مسؤولان امروز چطور به مردمی که سال‌ها قبل آن طور قهرمانانه مقاومت کردند و غیرت و جوانمردی به خرج دادند، نگاه می‌کنند.



آبادانی‌ها

در اول فیلم نوشته می‌شود «در سام هجرت و بعثت همکاری داشته‌اند. اهل خوزستان، در برگردان ایرانی چند دسیکا سراغ قصه تلخ مهاجران چند مصائب و مشکلات و رنج‌های آنها را درویش (سعید پورصمیمی) به سر شیخ‌زاده) برای پیدا کردنش همه تهران با موسیقی جنوبی و سنج و دمام خوزس

آبادان

مانی حقیقی سال ۸۱ فیلمی به نام آبآ است و رنگ پرده را ندیده. قصه این ف ترک تهران و سفر به آبادان را دارد. در اسدزاده و جمشید مشایخی دیگر در هدیه تهرانی، شاهرخ فروتنیان، احسب دیگر بازیگران این فیلم هستند.

کیمیا

یکی از بهترین فیلم‌های سینمای ایران ساخته احمدرضا درویش است. کیمیر و شهری روایت می‌شود، اما به هیچ و چینی دوباره نیست بلکه بخش‌ه پیوسته دارد. بخش‌های اولیه و جنگ بخش‌های بعدی فیلم در مشهد؛ رضا همسرش را از دست داده و بچه‌اش درمی‌آید، بعد از آزادی دنبال فرزندش کی